

تاثیر هزینه های سیاسی شرکت بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

بیژن عابدینی^۱، بهروز قاسمی پور^۲

^۱ استاد دانشگاه و عضو هیات علمی دانشگاه هرمزگان.

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه آزاد واحد بین الملل قشم .

نام نویسنده مسئول:

بهروز قاسمی پور

چکیده

هدف این تحقیق بررسی تاثیر هزینه های سیاسی شرکت بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بدین منظور شش فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده های مربوط به ۱۰۵ شرکت عضو بورس اوراق بهادار برای دوره ی زمانی بین سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده های تابلویی با رویکرد اثرات ثابت، بررسی و آزمون شد. نتایج نشان داد که در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پدیده اجتناب از مالیات وجود دارد. همچنین، نتایج موید آن است که، نسبت دارایی های ثابت به کل دارایی ها، اندازه ی شرکت، مقدار فروش شرکت، سود خالص شرکت و تعداد کارکنان شرکت سبب افزایش شدت اجتناب مالیات شرکت می شود. از سوی دیگر، نتایج نشان داد که ریسک سیستماتیک شرکت تاثیر معناداری بر اجتناب از مالیات شرکت ندارد.

واژگان کلیدی: هزینه سیاسی، اجتناب از مالیات، سیاست های مالیاتی و اقتصاد سیاسی.

مقدمه

هزینه های سیاسی، هزینه هایی هستند که برای تداوم فعالیت و حیات موسسه تجاری بنا به الزامات قانونی و عرفی و محیط اقتصادی ضروری می باشد. این هزینه ها یا به واسطه اعمال قانونی و مصوبات قانونی یا از طریق فشارهای سیاسی به شرکت ها تحمیل می شود. از این هزینه های سیاسی می توان به مالیات، بیمه بازنشستگی، هزینه های ناشی از کمک های بلاعوض به اشخاص، ارگان ها و نهادهای، کمک به ورزش، حقوق گمرکی صادرات، هزینه حفظ محیط زیست، هزینه توسعه فضاهای آموزشی، وجوه پرداختی به اتحادیه های کارگری و سایر مراجع رسمی و غیر رسمی اشاره کرد (پور حیدری و همتی، ۱۳۸۶). سیاستمداران و مشتریان، اغلب مواقع از اطلاعات حسابداری برای مقایسه تلاش های بعمل آمده برای تخصیص دوباره منابع بین خود به عنوان هزینه شرکت استفاده می نمایند این تخصیص دوباره ممکن است توسط قوانین و مقررات دولتی (نرخ های مالیاتی، مالیات بر صادرات و واردات، حقوق و عوارض گمرکی، حق حفاظت از اموال و دارایی های شرکت) یا بوسیله گروه های متولی دولت و قانون گذاران مثل اتحادیه های کارگری ایجاد گردند. بنابراین هرگونه تلاش مازاد برای توزیع دوباره منابع شرکت ها به خارج شرکت ها به عنوان هزینه های سیاسی شناخته می شود (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶)

با توجه به مباحث ذکر شده در بالا و اهمیت مالیات در سال های اخیر، این پژوهش در صدد است تا به صورت تجربی به بررسی تأثیر هزینه های سیاسی شرکت بر اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بپردازد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

بازارهای مالی همواره تحت تأثیر عوامل کلان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قرار دارند. بورس اوراق بهادار به عنوان آئینه تمام نمای اقتصاد ملی، به طور مستقیم تحت تأثیر عوامل اقتصادی است و به طور مطمئن عوامل و جریان های اقتصادی بر روی افراد برای سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار تأثیر می گذارند. همچنین عوامل سیاسی به دلیل تأثیرگذاری بر مسائل اقتصادی عاملی موثر بر بورس اوراق بهادار و رونق و رکود آن می باشند. در نتیجه عوامل سیاسی تأثیر عمده ای بر بازارهای مالی دارند و بازارها به اطلاعات جدید در موضوع عوامل سیاسی واکنش نشان می دهند که ممکن است سیاست های پولی و مالی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. در میان بسیاری از عوامل سیاسی موثر بر شرکت ها که به وسیله سرمایه گذاران دنبال می شوند هزینه های سیاسی از اهمیت ویژه ای برخوردار است (سانتا و والکانو، ۲۰۰۳). بنابراین، هدف پژوهش حاضر این است که نشان دهد هزینه سیاسی چه تأثیری بر رفتار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

تئوری اقتصاد سیاسی و هزینه سیاسی

نظریه اقتصاد سیاسی، از نیمه دوم قرن بیستم با گسترش و نفوذ مکتب لیبرالیسم، وارد متون اقتصادی جهان شد. این نظریه نه تنها مورد توجه اقتصاددانان و سیاستمداران واقع شده است، بلکه جامعه شناسان نیز آثاری در بسط و توضیح این نظریه ارائه داده اند (موسوی و همکاران، ۱۳۸۳). براساس این نظریه اقتصاد و سیاست تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند. این به این معنا است که فعالیت و تصمیم گیری های سیاسی، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر فعالیت های اقتصادی و برعکس دارند. براساس این نظریه سیاستمداران و دیوان سالاران، همانند هر فرد دیگری، انگیزه هایی برای انتقال ثروت از طریق فرآیند سیاسی دارند. آنها صرفاً کارگزاران بین گروه های ذی نفع رقیب نیستند، بلکه خود نیز گروه ذی نفع هستند. بعلاوه دسترسی آنها به منابع بیشتر و سهل الوصول تر، آنها را در موقعیت متمایزی نسبت به سایر بازیگران در عرصه اقتصادی قرار داده است. نمود بیرونی چنین وضعیتی حضور مستقیم دولت و یا سرمایه گذاران نهادی و اشخاص حقیقی که به مراجع قدرت نزدیک می باشند، در ساختار مالکیت شرکت ها است. اقتصاد سیاسی بر این امر پا فشاری می کند که می بایستی مناسبات قدرت به عنوان نیروها و فرآیندهای بنیادین و تعیین کننده در بازار، در تحلیل ها آورده شده و برجسته شوند. چشم پوشی از روابط قدرت در تحلیل های اجتماعی، سیاسی و یا هر نوع تحلیل دیگری به هیچ وجه توجیه پذیر نخواهد بود (مسکو، ۲۰۰۹). در کشورهایی که سیستم حقوقی، قدرت کافی برای حمایت از امنیت سرمایه گذاران بخش خصوصی ندارد و فساد در سطح گسترده وجود دارد ارتباطات سیاسی و نزدیکی به دولت امتیاز ارزشمندی برای شرکت ها برای فائق آمدن بر نارساییهای چنین بازاری و اجتناب از تبعیض ایدئولوژیک محسوب می گردد (بویاکری و همکاران، ۲۰۱۲).

پادیل (۲۰۰۲) نیز معتقد است که وجود مجموعه ای از ارتباطات اقتصادی که متکی بر قراردادهای می باشد، از واقعیت های فراگیر اقتصادی پذیرفته شده است. ترجیحات و منافع متضاد اشخاص یا گروه ها از موضوعاتی است که در آموزه های علم اقتصاد بر آن تأکید می گردد. تضاد منافع زمینه ساز اقداماتی است که یک یا هر دو طرف قرارداد را ترغیب به اقداماتی در جهت منافع شخصی و برخلاف منافع طرف مقابل می نماید. شرح این ارتباطات و تبعات آن در چارچوب تئوری کارگزاری مطرح می گردد. تئوری کارگزاری به مشکلات نمایندگی ناشی از تضاد منافع در قراردادهای میان مدیران از یک طرف و مالکان و سایر ذینفعان از طرف دیگر می پردازد. هدف این تئوری شرح این موضوع است که چگونه

کارگزار به عنوان یک طرف قرارداد، سعی می نماید تا هزینه های ناشی از نمایندگی را به حداقل برساند اما در محیط اقتصادی ایران پذیرش وجود ذی نفعان متعدد با منافع کاملاً متضاد با تردید مواجه است. به عبارت دیگر، در اقتصاد ایران، دولت بازیگر قدرتمند و اصلی محسوب می گردد، وجود این بازیگر قدرتمند تفکیک مدیریت از مالکیت را با تردید مواجه می سازد. حتی با وجود تمایز شکلی، تفکیک محتوایی مدیریت از مالکیت، شرایط غالب در اقتصادی ایران نبوده و روابط مدیران و مالکان براساس آن تعریف نمی گردد. دولت و نهادهای شبه دولتی در ایران در ساختار مالکیت و مدیریت شرکت ها از نقش مهمی برخوردار هستند و به دلیل برخورداری آنها از منابع مالی و نفوذ سیاسی، ساختار مالکیت در ایران تا اندازه زیادی محدود به دولت و نهادهای شبه دولتی می باشد، لذا استفاده از نظریه اقتصاد سیاسی برای شرح رفتار متغیرهای اقتصادی و مالی از توجیه کافی برخوردار است. اقتصاد سیاسی به پدیده هایی اشاره می کند که در قانون توجه رشته های اقتصاد و سیاست قرار دارد. اقتصاد سیاسی به دنبال توضیح روابط متقابل اقتصاد و سیاست بر یکدیگر می باشد. فرضیه بنیانی در این نظریه این است که، در قلمرو سیاست نیز همانند قلمرو اقتصاد، افراد و واحدهای تصمیم گیرنده، به دنبال حداکثر کردن توابع هدف خود با توجه به محدودیت ها می باشند. کارگزاران دولتی بر مبنای اصول و آموزه های لیبرالیسم خود جزیی از جامعه به شمار می آیند و خواهان حداکثرسازی منافع شخصی خود هستند؛ اما تناقضی که در اینجا وجود دارد این است که دولت و کارگزاران نباید به فکر منافع اجتماع و حداکثرسازی آن باشند از طرف دیگر، شرکت ها تمایل زیادی به برقراری ارتباط نزدیک با دولت و سیاستمداران دارند. زیرا این روابط منافع زیادی نظیر امتیاز دسترسی به بازار، تخفیف های مالیاتی، دسترسی آسان تر به اعتبارات، یارانه های دولتی و ... در پی دارد (آنینگ سجاتی، ۲۰۰۹).

اجتناب از مالیات

در اغلب کشورها و به ویژه کشورهای توسعه یافته، مالیات عمده ترین منبع مالی دولت است. در کشورهای توسعه یافته، درآمدهای مالیاتی برای تأمین مالی مخارج دولت، از اهمیت زیادی برخوردار است، اما در کشورهای در حال توسعه به دلیل وجود ساختار تورمی و کارا نبودن سیستم مالیاتی، درآمدهای مالیاتی درصد ناچیزی از تولید ناخالص این کشورها را شکل می دهد (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۳). در حالی که برخی از کشورها ۹۰ تا ۹۵ درصد از هزینه های عمومی خود را از طریق درآمدهای مالیاتی تأمین می کنند، ایران به دلیل شفاف نبودن و ناتوانی سیستم مالیاتی در شناسایی صحیح میزان درآمد بنگاه ها و افراد، عموماً میزان مالیات تشخیصی ناچیز است. کما اینکه بخش شایان توجهی از همین مالیات تشخیصی نیز وصول نمی شود و در صورت وصول، اصل فایده در آن رعایت نمی شود؛ به این معنا که هزینه وصول نسبت به مالیات وصولی بیشتر است. پس از درآمدهای نفتی، عمده ترین درآمد دولت برای تأمین مالی بودجه، درآمدهای مالیاتی است که از آن سه هدف تخصیص منابع اقتصادی، توزیع مجدد درآمد و تثبیت اقتصادی، پیگیری می شود (شوروزی و رحمانی، ۱۳۹۰). مالیات بر درآمد، بر مبنای سود شرکت ها تعیین می شود و سهم شایان توجهی از درآمد مالیاتی دولت ها را به خود اختصاص می دهد. در بیشتر نظام های مالیاتی برای محاسبه سود شرکت ها، طبق قوانین مالیاتی، یک سری هزینه ها با عنوان هزینه های قابل قبول، از درآمد ناخالص شرکت ها کسر می شود. علاوه بر این، در بیشتر کشورها نیز به دلایل متعددی چون، حمایت از برخی صنایع، تشویق و جذب سرمایه-گذاری داخلی و خارجی و حمایت از سرمایه گذاری، در مناطق ویژه ای معافیت و تخفیف های مالیاتی به شرکت ها اعطا می شود که به سبب آن، بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات تفاوت به وجود می آید (سعیدی و کلامی، ۱۳۸۷).

در ادبیات حسابداری، اجتناب مالیاتی از دو بعد گسترده و محدود تعریف شده است. در بعد گسترده، اجتناب مالیاتی به صورت « کاهش آشکار مالیات به ازای هر ریال سود حسابداری قبل از مالیات» تعریف می گردد. برخی اجتناب مالیاتی را به صورت انجام اقدامات قانونی به منظور کاهش بدهی مالیاتی تعریف می نمایند. در بعد محدود، تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی ریشه در قانونی بودن اقدامات مؤدیان دارد. نکته مهم آن که اجماع نظری نیز در رابطه با تعریف و یا سازه ها و ابزارهای اجتناب مالیاتی و مالیات متهورانه وجود ندارد. تعاریف و عباراتی که در این خصوص به کار برده می شود، با توجه به شرایط و جوامع متفاوت می باشد. ناحیه خاکستری بین این دو مفهوم همواره مورد مناقشات و مجادله بوده است (هاسلدین و موریس، ۲۰۱۳).

موارد متعددی را می توان برشمرد که طی آن، قانون شرایط ویژه ای برای مؤدیان در نظر گرفته و مؤدیان نیز می توانند از شرایط در نظر گرفته شده یا ضعف قانون و مصوبات مربوطه به نفع خود استفاده نمایند. در ایران نیز مانند سایر کشورها به موجب قانون تخفیف ها و معافیت های مالیاتی برای برخی صنایع، مناطق و افراد در نظر گرفته شده. برای مثال، به موجب ماده ۶ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی مصوب ۱۳۸۶/۹/۲۵ مجلس شورای اسلامی مقرر می نماید که شرکت هایی که ۲۰ درصد سهام شناور آزاد داشته باشند، مشمول معافیت مالیاتی ۲۰ درصدی می شوند. پیش از این طبق ماده ۱۴۳ ق.م.م مقرر شده بود که شرکت های بوری مشمول معافیت مالیاتی ۱۰ درصدی می باشند؛ که به موجب مصوبه فوق الذکر نرخ مالیات شرکت هایی که بیش از ۲۰ درصد سهام شناور آزاد داشته باشند، معادل ۲۰ درصد می باشد. هرچند که هدف این قانون توسعه و گسترش سهام شناور و افزایش نقدشوندگی سهام و همچنین، تسهیل در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی عنوان شده، اما باید خاطر نشان کرد که این قانون و کاستی های مربوط به نظارت و سایر قوانین این امکان را برای شرکت ها فراهم می نماید که با مبادلات به

ظاهر قانونی سهام، درصدهای ششور شرکت را به حد نصاب رسانده و شرکت مشمول معافیت ماده ۶ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی شود و نرخ مالیاتی آن به جای ۲۲/۵ درصد؛ با نرخ ۲۰ درصد محاسبه و پرداخت شود. (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۲). همچنین، به موجب ماده ۱۳۳ قانون مالیات های مستقیم (ق.م.م)، فعالیت های کشاورزی از پرداخت مالیات معاف اند. یا به موجب ماده ۱۴۵ ق.م.م، به درآمدهای سود سپرده بانکی، سود سهام و اوراق مشارکت، مالیات تعلق نمی گیرد. بر اساس ماده ۱۴۱ نیز، ۱۰۰ درصد درآمد حاصل از صادرات کالاهای صنعتی معاف از مالیات است. ابزار دیگری که شرکت ها می توانند با استفاده از آن در هزینه مالیاتی صرفه جویی کنند، برنامه ریزی مالیاتی است. در برنامه ریزی مالیاتی سه روش برای کاهش پرداخت مالیات اجرا می شود: ۱. گرفتن کسری یا تخفیف؛ ۲. معافیت مالیاتی؛ ۳. پرداخت بخشی از بدهی مالیاتی از طریق انجام فعالیتی در ازای آن. راهبرد برنامه ریزی مالیاتی، به معنای به تعویق انداختن پرداخت مالیات تا حد ممکن و کاهش ارزش فعلی مالیات های پرداختی است (جهرمی، ۱۳۹۱). در واقع برنامه ریزی مالیاتی به تشویق پس انداز و صرفه جویی هزینه در شرکت منجر می شود. این صرفه جویی و پس انداز می تواند از طریق سرمایه گذاری در اوراق بهادار دولتی یا تغییر محل اقامت به پناهگاه مالیاتی انجام گیرد. پناهگاه مالیاتی، منطقه یا کشوری است که مالیات آن کمتر است (اگراوال، ۲۰۰۷).

هزینه سیاسی و اجتناب از مالیات

دولت ها همواره در زمان ها و مکان های گوناگون باید در خصوص برآورده کردن نیازها و خواسته های اساسی، همچون ایجاد شغل، برقراری امنیت داخلی و ملی، تثبیت قیمت ها و غیره، در برابر مردم پاسخگو باشند. بدیهی است برای دستیابی به اهداف فوق، برخورداری از منابع مالی کافی ضروری است. بنابراین عجیب نیست مالیات از دیرباز موضوع مطرحی در جوامع باشد و توجه نهادها و افراد مختلف را به خود جلب کند. به دلیل نقش خاص مالیات و تأثیر بدیهی آن بر جوامع و دولت ها، موضوع مالیات، قوانین و سازوکارهای مربوط به آن، در کانون توجه صاحب نظران اقتصاد، مالی عمومی، سیاستمداران و حتی عموم مردم قرار گرفته است. در نتیجه، قوانین مالیاتی از جمله قوانین اصلی در زمینه های اقتصادی، شاید یکی از مهمترین ابزار اعمال سیاست های اقتصادی دولت است. مالیات یکی از ابزارهای مهمی است که دولت ها به کمک آن در متغیرهای کلان اقتصادی، مانند رشد اقتصادی، تورم و بیکاری و تخصیص منابع، اثر می گذارند. در واقع مالیات قسمتی از درآمد و دارایی افراد است که به منظور پرداخت مخارج عمومی و اجرای سیاست های مالی در راستای حفظ منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور، به موجب قوانین و از طریق اهرم های اداری و اجرایی دولت، از افراد و بنگاه ها وصول می شود. در گذشته، هدف از وضع و اخذ مالیات تأمین مالی دولت بود، اما به تدریج با آشکار شدن آثار اقدامات مالی دولت، مالیات ابزاری برای رشد، ثبات و کاهش نابرابری تلقی شد و در کانون توجه قرار گرفت (عرب صالحی و هاشمی، ۱۳۹۴).

پیشینه ی تحقیق

وانگ (۲۰۱۶) با استفاده از چندین معیار اندازه گیری اجتناب از مالیات به این نتیجه رسید که از آنجایی که اجتناب از مالیات انتقال ثروت از شرکت به دولت را کاهش می دهد، از نظر سهامداران یک رویکرد ارزش آفرین است. همچنین او در ادامه کار خود به این نتیجه رسید که در شرکت های شفاف، یعنی شرکت هایی که در آن مسائل نمایندگی کمتری وجود دارد، سطح اجتناب از مالیات شرکت بالاتر است. این مسئله بیانگر این موضوع است که مدیران اجتناب از مالیات را صرفاً در راستای حداکثر کردن منافع سهامداران انجام می دهند. همچنین او به این نتیجه رسید که سهامداران در ازای فعالیت های اجتناب از مالیات یک صرف ریسک طلب می کنند که این صرف ریسک با شفافیت بیشتر (کاهش شاخص ابهام) کاهش می یابد.

کویبک و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی تاثیر رقابت بازار محصول بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان داد رابطه مثبت معناداری میان قدرت بازار محصول و اجتناب از پرداخت مالیات وجود دارد.

پژوهش های چن و زولوتوی (۲۰۱۴) نشان می دهد تأثیر نقدشوندگی سهام بر دنباله پایینی توزیع اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت هایی که دچار محدودیت های مالی اند، کمتر است. این نتایج تأییدکننده دیدگاه بازخورد مثبت است. همچنین تأثیر نقدشوندگی سهام بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت هایی که از سازوکار حاکمیت شرکتی قوی تری برخوردارند، کمتر است. بنابراین نقدشوندگی سهام از طریق بازخورد مثبت بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت ها مؤثر واقع می شود. این مسئله اطریق منطقی تر شدن قیمت سهام برای مدیران، موجب تصمیم گیری های بهتر در برنامه ریزی های مالیاتی می شود.

هانلن و همکارانش (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین تفاوت سود حسابداری و مشمول مالیات برحق الزحمه حسابرسی پرداختند و نتیجه گرفتند تفاوت زیاد بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات به حق الزحمه های بیشتری منجر می شود و می توان از این تفاوت به عنوان معیاری ملموس برای کیفیت سود استفاده کرد که بر تصمیم ها و قضاوت های حسابرسان تأثیر می گذارد.

چن و دیگران (۲۰۱۲) به بررسی روابط سیاسی، نوع مالکیت و محدودیت های تامین مالی در شرکت های چینی پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان می دهد که شرکت های دارای روابط سیاسی هیچگونه محدودیت تامین مالی در چین ندارند، در حالی که شرکت های بدون روابط سیاسی، محدودیت های زیادی را برای تامین تامین مالی تجربه می کنند.

مهدی فرد و رویایی (۱۳۹۴) در پژوهشی در پارچوب نظریه اقتصاد سیاسی و با هدف شناسایی تاثیر مدیریت سیاسی بر قیمت سهام شرکت ها در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. بر اساس پژوهش در قلمرو زمانی هفت ساله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ مدیریت سیاسی با قیمت سهام شرکت ها رابطه معنی دار دارد.

مشایخی و سیدی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی پرداختند. برای این منظور ۱۴۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۱ الی ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه بررسی ۱۲۲۷ سال- شرکت به صورت الگوی پتل نامتوازن؛ مبین آن است که رابطه معناداری بین راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی وجود ندارد. علاوه بر این، رابطه منفی و معنادار بین متغیرهای کنترلی سودآوری و اندازه شرکت و همچنین رابطه مثبت و معناداری بین حساسی مالیاتی و اجتناب مالیاتی مشاهده گردید.

عرب مازار و دیگران (۱۳۹۰) به تبیین رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی در ایران پرداختند. نتایج تحقیق آنها بیانگر وجود یک رابطه مثبت بین گزارشگری مالیاتی و شفافیت گزارشگری مالی بوده است، به طوری که در صورت تهیه گزارشگری مالیاتی به ضمیمه گزارشگری مالی، شفافیت گزارشگری مالی تا حدود زیادی تامین خواهد شد.

روش تحقیق

برای بررسی تاثیر هزینه های سیاسی بر اجتناب از مالیات در بورس اوراق بهادار تهران، از مدل رگرسیون استفاده شده است. برای آزمون فرضیه ها از مدل های زیر استفاده خواهد شد:

الگوی شماره (۱)

$$BTB_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Capital_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 Risk_{i,t} + \beta_4 Sales_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 EMPINT_{i,t} + \beta_7 LEV_{i,t} + \beta_8 CFO_{i,t} + \beta_9 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

الگوی شماره (۲)

$$ETR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Capital_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 Risk_{i,t} + \beta_4 Sales_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 EMPINT_{i,t} + \beta_7 LEV_{i,t} + \beta_8 CFO_{i,t} + \beta_9 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

نحوه ی اندازه گیری متغیرهای تحقیق

اولین گام برای آزمون فرضیه های پژوهش، ارائه ی تعریف دقیق و مناسبی از متغیرهایی است که امکان اندازه گیری خصوصیات مورد توجه در این پژوهش را میسر می سازد. متغیر یک مفهوم است که می تواند مشاهده یا اندازه گیری شود. این اندازه گیری ممکن است به صورت کمی یا کیفی انجام شود. متغیر کمی به متغیری گفته می شود که از نظر کمی تغییر می کند و تفاوت های ناشی از این تغییرات با استفاده از عدد ثبت می شوند. به بیان دیگر، متغیرهای کمی متغیرهایی هستند که انسان می تواند برای آن ها واحد و مبداء اندازه گیری تعیین کند. متغیر کیفی به متغیری اطلاق می شود که تفاوت ناشی از تغییرات آن کیفی است و برای ثبت آن ممکن است از روش های دیگری غیر از عدد استفاده شود. به بیان دیگر، متغیر کیفی، متغیری است که محقق توانایی اندازه گیری آن را ندارد و ویژگی آن را نمی تواند به صورت مستقیم به وسیله ی ارقام ریاضی نشان دهد. برای ثبت مشاهده ها یا اندازه گیری هایی که از این متغیر می شود، از حروف الفبا یا کد استفاده می شود (دلور، ۱۳۸۴).

افزون بر این، متغیرها بر اساس نقشی که در تحقیق بر عهده دارند، به دو دسته ی مستقل و وابسته تقسیم می شوند. متغیر مستقل به متغیری گفته می شود که از طریق آن، متغیر وابسته تبیین یا پیش بینی می شود. در واقع این متغیر توسط پژوهشگر اندازه گیری، دستکاری یا انتخاب می شود. متغیر وابسته، متغیری است که مشاهده یا اندازه گیری می شود تا تاثیر متغیر مستقل بر آن معلوم و برآورد شود.

متغیر وابسته

(تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات) $BTB_{i,t}$: تفاوت سود حسابداری (سود قبل مالیات) و سود مشمول مالیات (از تقسیم هزینه مالیات بر نرخ قانونی مالیات بدست می آید) شرکت i در سال t که از طریق تفاوت سود حسابداری (سود قبل از کسر مالیات) و سود

مشمول مالیات همچنین به منظور همگن سازی متغیر بر ارزش دفتری دارایی ها تقسیم شده است. محاسبه شده است (کوبیک و همکاران، ۲۰۱۵).

(نسبت هزینه مالیات و سود قبل مالیات) $ETR_{i,t}$ هزینه مالیات : از تقسیم هزینه مالیات شرکت i در سال t بر درآمد قبل از مالیات شرکت i در سال t به دست می آید (کوبیک و همکاران، ۲۰۱۵).

- متغیرهای مستقل

در این تحقیق، متغیر مستقل هزینه های سیاسی شرکت است که برای اندازه گیری آن مطابق با پژوهش ناچجری (۲۰۱۲) از پنج شاخص به شرح زیر استفاده شده است:

$Capital_{i,t}$: برابر با تقسیم دارایی های ثابت به کل دارایی های شرکت است (ناچجری، ۲۰۱۲).

$SIZE_{i,t}$: برابر با لگاریتم کل دارایی های شرکت است (ناچجری، ۲۰۱۲).

$Risk_{i,t}$: برابر با ریسک سیستماتیک شرکت است که از طریق مدل CAPM محاسبه می شود (ناچجری، ۲۰۱۲).

$Sales_{i,t}$: برابر با لگاریتم فروش شرکت است (ناچجری، ۲۰۱۲).

(بازده دارایی ها) $ROA_{i,t}$ سود خالص : برابر با حاصل تقسیم سود خالص شرکت به ارزش دفتری دارایی های شرکت است (ناچجری، ۲۰۱۲).

$EMPINT_{i,t}$: برابر با تعداد کارکنان شرکت است (ناچجری، ۲۰۱۲).

- متغیرهای کنترل

(اهرم مالی) $LEV_{i,t}$ کل بدهی ها : برابر با نسبت ارزش دفتری کل بدهی های شرکت به کل دارایی های شرکت تعریف شده است (کوبیک و همکاران، ۲۰۱۵).

(جریان نقد عملیاتی) $CFO_{i,t}$: برابر با نسبت جریان نقد عملیاتی شرکت به ارزش دفتری کل دارایی های شرکت است (کوبیک و همکاران، ۲۰۱۵).

(فرصت سرمایه گذاری) $MTB_{i,t}$ ارزش بازار سهام : بیانگر فرصت های سرمایه گذاری شرکت i در سال t است که از تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام

نتایج و بحث

در این پژوهش، برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده، از هر دو تحلیل آماری استنباطی و توصیفی برای تحلیل داده ها استفاده شده است. در بخش آمار استنباطی، فرضیه های تحقیق و ضریب همبستگی آزمون شده و در باره ی فرضیه های تحقیق نتیجه گیری شده است. برای انجام تجزیه و تحلیل های توصیفی و استنباطی از نرم افزار Eviews.9 استفاده شده است.

نگاره ی شماره (۱) : آماره های توصیفی متغیرهای الگو*

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
اجتناب از مالیات (تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات)	۰/۰۶۶	۰/۰۴۳	۰/۰۹۷	۰/۴۸۶	-۰/۲۳۹
اجتناب از مالیات (نسبت هزینه مالیات به سود قبل از مالیات)	۰/۱۰۹	۰/۱۱۳	۰/۰۸۷	۰/۲۴۹	۰/۰۰۰
نسبت دارایی ثابت به کل دارایی ها	۰/۳۷۵	۰/۳۴۲	۰/۲۰۴	۰/۹۰۱	۰/۰۵۱
اندازه ی شرکت	۵/۷۸۷	۵/۷۳۳	۰/۶۱۱	۷/۹۵۶	۴/۲۴۶
ریسک سیستماتیک شرکت	۰/۳۴۲	۰/۲۶۰	۲/۳۳۴	۹/۷۴۳	۱۲/۶۶۶
فروش	۵/۶۴۰	۵/۵۹۶	۰/۶۰۷	۸/۰۳۱	۴/۰۴۳

بازده دارایی‌ها	۰/۱۱۹	۰/۱۰	۰/۱۱۸	۰/۵۵۱	-۰/۳۳۹
تعداد کارکنان	۱۰۵۸/۸۷	۵۰۲	۲۳۳۴/۶۸	۲۳۳۸۶	۴۰
اهرم مالی	۰/۶۵۴	۰/۶۵۹	۰/۱۸۰	۱/۱۸۷	۰/۱۰۵
جریان نقد عملیاتی	۰/۱۳۲	۰/۱۱۹	۰/۱۳۸	۰/۶۹۹	-۰/۲۲۰
فرصت سرمایه گذاری	۲/۳۸۱	۱/۷۰۲	۲/۵۵۵	۱۵/۲۴۳	-۶/۷۶۲

* منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج بدست آمده از آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق و نزدیک به هم بودن میانگین و میانه در بیشتر متغیرهای تحقیق، می‌توان بیان کرد که کلیه متغیرها از توزیع مناسبی برخوردار هستند. افزون بر این، آماره های انحراف معیار، ضریب کشیدگی و چولگی نیز به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده ها بکار گرفته می شوند (کلر و وارا، ۲۰۰۳). با بررسی معیارهای مذکور می توان اظهار داشت که داده های مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته از توزیع نرمال برخوردار هستند زیرا، متغیرها دارای حداقل فاصله از ارزش ارایه شده برای کشیدگی می باشند. افزون بر این، بازده دارایی ها دارای میانگین تقریبی ۱۲ درصد است که نشان دهنده افزایش میانگینی ۱۲ درصدی این متغیر در سال در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار است. علاوه بر این، متغیر اهرم مالی شرکت دارای میانگین ۶۵ درصدی است که نشان دهنده سهم بالای بدهی در ساختار سرمایه شرکت های ایرانی است.

تحلیل همبستگی

تجزیه و تحلیل همبستگی، ابزاری آماری است که به وسیله آن می‌توان درجه‌ای را اندازه گیری کرد که یک متغیر به متغیر دیگر، از نظر خطی مرتبط است. همبستگی را به طور معمول با تحلیل رگرسیون بکار می‌برند. همبستگی معیاری است که برای تعیین میزان پیوند دو متغیر استفاده می‌شود.

در صورتی که متغیرهای تحقیق با مقیاس نسبی و پیوسته باشند از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی همبستگی بین آن‌ها استفاده می‌شود. ضریب همبستگی پیرسون همواره بین +۱ و -۱ است. هر چقدر این ضریب به عدد +۱ نزدیکتر باشد، نشان از وجود همبستگی زیاد و مستقیم بین دو متغیر است و اگر ضریب همبستگی پیرسون به عدد -۱ نزدیکتر باشد، مفهوم آن همبستگی زیاد و معکوس بین آن‌ها است. اگر چه قواعد سهل و سریعی برای متمایز کردن همبستگی زیاد از کم وجود ندارد اما، وجود قاعده‌ای برای تفسیر مقادیرهای مختلف ضریب همبستگی می‌تواند مفید باشد. چنین قاعده‌ای ارائه شده است اما، باید در استفاده از آن احتیاط شود.

نگاره‌ی شماره (۲): همبستگی متغیرهای تحقیق

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
اجتناب از مالیات											
(تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات)	۱										
اجتناب از مالیات											
(نسبت هزینه مالیات به سود قبل از مالیات)		۱									
نسبت دارایی ثابت به کل دارایی‌ها			۱								
اندازه‌ی شرکت				۱							
ریسک سیستماتیک شرکت					۱						
فروش						۱					
بازده دارایی‌ها							۱				
تعداد کارکنان								۱			

	۱	۰/۱۴۷	-۰/۴۵	۰/۱۶۱	۰/۰۲۶	۰/۱۲۷	-۰/۱۸	-۰/۰۶	-۰/۴۹	اهرم مالی	
	۱	-۰/۴۲	-۰/۰۲	۰/۵۲۷	-۰/۰۱	-۰/۰۳	-۰/۰۲	۰/۱۸۹	۰/۰۸۲	۰/۴۰۷	جریان نقد عملیاتی
	۱	۰/۲۰۳	-۰/۰۱	-۰/۰۹	۰/۳۸۹	-۰/۰۸	۰/۰۱۲	-۰/۱۰	۰/۰۱۹	۰/۳۰۸	فرصت سرمایه گذاری

* منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نگاره‌ی شماره ۲، همانگونه که مشاهده می‌شود ضریب همبستگی متغیرهای تحقیق منطقی است که نشان دهنده‌ی وجود عدم همبستگی، در بین متغیرهای تحقیق است.

بررسی پایایی متغیرهای تحقیق

در این تحقیق، با استفاده از آزمون لوین، لین و چو پایایی متغیرهای پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. در صورتی که متغیرهای تحقیق پایا نباشند؛ چه در مورد داده‌های سری زمانی و چه در داده‌های ترکیبی باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب خواهد شد. لازم به توضیح است با توجه به دو وجهی بودن متغیرهای موهومی، در این بخش ارائه نمی‌شوند. نتایج آزمون نشان می‌دهد که تمامی متغیرها پایا هستند. نتایج این آزمون در نگاره‌ی شماره (۳) ارائه شده است:

نگاره‌ی شماره (۳): نتایج آزمون پایایی متغیرها با استفاده از نرم افزار Eviews

متغیرها	آماره‌ی آزمون لوین، لین و چو	سطح معناداری
اجتناب از مالیات (تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات)	-۱۲۰/۵۹	۰/۰۰۰
اجتناب از مالیات (نسبت هزینه مالیات به سود قبل از مالیات)	-۴۴/۴۲۶	۰/۰۰۰
نسبت دارایی ثابت به کل دارایی‌ها	-۱۲/۹۵۴	۰/۰۰۰
اندازه‌ی شرکت	-۲۷/۳۷۶	۰/۰۰۰
ریسک سیستماتیک شرکت	-۴۶/۳۱۷	۰/۰۰۰
فروش	-۹/۶۹۲	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	-۱۶/۱۰۳	۰/۰۰۰
تعداد کارکنان	-۸/۷۴۵	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۲۲/۰۱۶	۰/۰۰۰
جریان نقد عملیاتی	-۲۵/۵۳۴	۰/۰۰۰
فرصت سرمایه گذاری	-۴۰/۸۵۳	۰/۰۰۰

* مأخذ: نتایج تحقیق

همان طور که ملاحظه می‌شود متغیرهای تحقیق در سطح اطمینان ۹۹ درصد پایا هستند. بنابراین، می‌توان پارامترها را بدون نگرانی از کاذب بودن آن‌ها برآورد کرد.

برای بررسی تاثیر هزینه‌های سیاسی بر اجتناب از مالیات از الگوهای تحقیق به شرح زیر استفاده شده است:
الگوی شماره (۱)

$$BTB_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Capital_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 Risk_{i,t} + \beta_4 Sales_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 EMPINT_{i,t} + \beta_7 LEV_{i,t} + \beta_8 CFO_{i,t} + \beta_9 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

الگوی شماره (۲)

$$ETR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Capital_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 Risk_{i,t} + \beta_4 Sales_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 EMPINT_{i,t} + \beta_7 LEV_{i,t} + \beta_8 CFO_{i,t} + \beta_9 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در فرمول مزبور؛ $BTB_{i,t}$ منعکس کننده‌ی اجتناب از مالیات (تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات)؛ $ETR_{i,t}$ اجتناب از

مالیات (نسبت هزینه مالیات و سود قبل مالیات)؛ $CAPITAL_{i,t}$ نسبت دارایی های ثابت به کل دارایی‌ها؛ $SIZE_{i,t}$ اندازه‌ی شرکت؛

$RISK_{i,t}$ ریسک سیستماتیک شرکت؛ $Sales_{i,t}$ لگاریتم کل فروش؛ $ROA_{i,t}$ بازده دارایی ها؛ $EMPINT_{i,t}$ تعداد کارکنان شرکت؛
 $LEV_{i,t}$ اهرم مالی شرکت؛ $CFO_{i,t}$ نسبت جریان نقد عملیاتی شرکت به کل دارایی ها و $MTB_{i,t}$ فرصت سرمایه گذاری شرکت است. i نماد شرکت مورد نظر و t سال مورد نظر تعریف شده است.

هدف این پژوهش، بررسی تاثیر هزینه های سیاسی بر اجتناب از مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در همین راستا، با توجه به مبانی نظری مطرح شده شش فرضیه تدوین و در ادامه به بررسی و آزمون آن ها پرداخته شده است. برای این منظور، ابتدا مدل شماره (۱) مورد آزمون قرار گرفته است. البته لازم است، قبل از برازش الگوهای تحقیق، آزمون چاو به منظور بررسی استفاده از روش داده های تابلویی با اثرات ثابت در مقابل روش داده های ترکیبی برای نمونه ای تحقیق انجام شود. نتایج حاصل از آزمون چاو برای الگوی شماره (۱) و (۲) در نگاره (۴) نشان داده شده است. فرضیات این آزمون به صورت زیر است:

H^0 : روش داده های تلفیقی

H^1 : روش اثرات ثابت

نتایج حاصل از آزمون چاو در نگاره (۴) شماره (۴) نمایش داده شده است.

نگاره (۴): نتایج آزمون F لیمر برای الگوهای تحقیق

الگوی مورد بررسی	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
الگوی شماره (۱)	۹/۰۳۹	۰/۰۰۰	روش اثرات ثابت
الگوی شماره (۲)	۶/۲۹۶	۰/۰۰۰	روش اثرات ثابت

* منبع: یافته های تحقیق

با توجه به آماره و سطح خطای آزمون چاو برای تمامی الگوها، نتایج حاکی از عدم تایید فرض H_0 بوده است، در نتیجه، الگوی روش اثرات ثابت روش ارجح است. لازم است برای انتخاب از بین الگوهای تابلویی با اثرات ثابت یا داده های تابلویی با اثرات تصادفی، آزمون هاسمن نیز انجام شود. نتایج مربوط به آزمون هاسمن نیز در نگاره (۵) نشان داده شده است. فرضیات این آزمون به صورت زیر است:

H^0 : روش اثرات تصادفی

H^1 : روش اثرات ثابت

نتایج حاصل از آزمون هاسمن در نگاره (۵) شماره (۵) نمایش داده شده است.

نگاره (۵): نتایج آزمون هاسمن برای الگوهای تحقیق

الگوی مورد بررسی	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
الگوی شماره (۱)	۲۹/۰۵۶	۰/۰۰۰	الگوی اثرات ثابت
الگوی شماره (۲)	۲۰/۷۲۳	۰/۰۱۳	الگوی اثرات ثابت

* منبع: یافته های تحقیق

همانطور که در نگاره (۵) شماره (۵) قابل مشاهده است، نتایج حاکی از آن است که الگوی داده های تابلویی با اثرات ثابت برای الگوهای (۱) و (۲) روش ارجح است. بنابراین، در ادامه به تخمین الگوهای تحقیق با توجه به روش ارجح پرداخته شد. در ادامه برای بررسی فرضیه های تحقیق، نتایج تخمین الگوی شماره (۱) با روش اثرات ثابت، در نگاره (۶) شماره (۶) استفاده شده است.

نگاره (۶): نتایج تخمین الگوی تحقیق*

متغیر	ضریب متغیر	آماره تی	سطح خطا
عرض از مبدا	-۰/۰۲۶	-۰/۹۴۴	۰/۳۴۵
نسبت دارایی ثابت به کل دارایی ها	۰/۰۳۱	۳/۸۷۹	۰/۰۰۰

۰/۰۰۰	۵/۱۲۰	۰/۰۳۳	اندازه‌ی شرکت
۰/۱۲۲	-۱/۵۴۸	-۰/۰۰۰۴	ریسک سیستماتیک شرکت
۰/۰۰۰	۷/۸۱۹	۰/۰۳۴	فروش
۰/۰۰۰	۵۹/۳۷۰	۰/۷۹۴	بازده دارایی‌ها
۰/۰۴۹	۱/۹۶۵	۰/۰۰۰۰۰۴	تعداد کارکنان
۰/۴۰۸	-۰/۸۲۶	-۰/۰۰۷	اهرم مالی
۰/۰۰۰	-۴/۸۳۵	-۰/۰۳۰	جریان نقد عملیاتی
۰/۰۶۳	۱/۸۶۱	۰/۰۰۰۷	فرصت سرمایه گذاری
	۰/۷۴۵		ضریب تعیین
	۰/۷۳۷		ضریب تعیین تعدیل شده
	۱/۸۸۹		آماره‌ی دوربین-واتسون
	۱۱۲/۰۴		آماره‌ی F
	۰/۰۰۰		احتمال آماره‌ی F

* منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج قابل مشاهده در نگاره‌ی شماره (۵) و با توجه آماره‌ی F بدست آمده (۱۱۲/۰۴) و سطح خطای آن (۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، در مجموع الگوی تحقیق از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای الگو که برابر ۷۳ درصد است، می‌توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل تحقیق بیش از ۷۳ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره‌ی دوربین واتسون که برابر ۱/۸۸۹ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه‌ی اول میان باقی مانده‌های الگو وجود ندارد. از سوی دیگر، برای بررسی فرضیات تحقیق از الگوی شماره‌ی (۲) استفاده شده است. نتایج تخمین الگوی شماره (۲) با روش اثرات ثابت، در نگاره‌ی شماره (۷) ارائه شده است.

نگاره‌ی شماره (۷): نتایج تخمین الگوی تحقیق *

متغیر	ضریب متغیر	آماره تی	سطح خطا
عرض از مبدا	-۰/۰۷۶	-۱/۶۴۷	۰/۰۹۴
نسبت دارایی ثابت به کل دارایی‌ها	۰/۰۶۲	۴/۲۳۴	۰/۰۰۰
اندازه‌ی شرکت	۰/۰۳۸	۳/۵۲۹	۰/۰۰۰
ریسک سیستماتیک شرکت	-۰/۰۰۰۷	-۱/۵۲۵	۰/۱۲۷
فروش	۰/۰۷۲	۶/۹۸۳	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	۰/۰۴۳	۲/۵۲۰	۰/۰۱۱
تعداد کارکنان	۰/۰۰۰۰۱	۲/۶۱۳	۰/۰۰۹
اهرم مالی	-۰/۰۰۱	-۰/۱۰۲	۰/۹۱۸
جریان نقد عملیاتی	۰/۰۱۲	۱/۸۱۹	۰/۰۶۹
فرصت سرمایه گذاری	-۰/۰۰۰۰۹	-۱/۶۷۴	۰/۰۸۱
ضریب تعیین		۰/۶۹۸	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۸۲	
آماره‌ی دوربین-واتسون		۱/۸۸۶	
آماره‌ی F		۵۶/۸۸۸	
احتمال آماره‌ی F		۰/۰۰۰	

* منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج قابل مشاهده در نگاره ی شماره (۷) و با توجه آماره ی F بدست آمده (۵۶/۸۸۸) و سطح خطای آن (۰/۰۰۰)، می توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، در مجموع الگوی تحقیق از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای الگو که برابر ۶۸ درصد است، می توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل تحقیق بیش از ۶۸ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می دهند. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره ی دوربین واتسون که برابر ۱/۸۸۶ است، می توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه ی اول میان باقی مانده های الگو وجود ندارد.

با توجه به نتایج این آزمون ها، مدل اثرات ثابت در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. در نهایت، نتایج آزمون فرضیه های تحقیق نشان داد که تمام فرضیه های تحقیق به استثنای فرضیه سوم تایید شده اند.

نتیجه گیری و پیشنهادات

نتیجه ی آزمون فرضیه ی اول

در این فرضیه به بررسی تأثیر نسبت دارایی های ثابت به کل دارایی ها بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. با توجه به نتایج ارائه شده در نگاره ی شماره (۶) و (۷) و بررسی این فرضیه از طریق هر دو متغیر وابسته (هر دو مدل برآوردی)؛ احتمال مربوط به فرض صفر، مبنی بر تأثیر، نسبت دارایی های ثابت به کل دارایی ها بر اجتناب از پرداخت مالیات، برابر ۰/۰۰۰ است که کوچکتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می شود. در نتیجه، با توجه به ضرایب بدست آمده برای مدل های اول و دوم که برابر (۰/۰۳۱) و (۰/۰۶۲) و سطح خطای آنان برابر (۰/۰۰۰) می توان ادعا کرد که ارتباط مثبت معناداری میان نسبت دارایی های ثابت به کل دارایی ها و اجتناب از پرداخت مالیات شرکت برای هر دو مدل تحقیق وجود دارد. به عبارت دیگر، می توان ادعا کرد، شرکت ها با نسبت دارایی های ثابت به کل دارایی ها بیشتر به منظور کاهش هزینه های سیاسی به دنبال کاهش هزینه های مالیاتی خود از طریق اجتناب از مالیات می باشند. بنابراین، با توجه به سطح معناداری، فرضیه ی اول تحقیق در سطح خطای ۵ درصد تایید می شود (مطابق با تحقیق میلز و همکاران، ۲۰۱۳).

نتیجه ی آزمون فرضیه ی دوم

در این فرضیه به بررسی تأثیر اندازه ی شرکت بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. با توجه به نتایج ارائه شده در نگاره ی شماره (۶) و (۷) و بررسی این فرضیه از طریق هر دو متغیر وابسته (هر دو مدل برآوردی)؛ احتمال مربوط به فرض صفر، مبنی بر تأثیر، اندازه ی شرکت بر اجتناب از پرداخت مالیات، برابر ۰/۰۰۰ است که کوچکتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می شود. در نتیجه، با توجه به ضرایب بدست آمده برای مدل های اول و دوم که برابر (۰/۰۳۳) و (۰/۰۳۸) و سطح خطای آنان برابر (۰/۰۰۰) می توان ادعا کرد که ارتباط مثبت معناداری میان اندازه ی شرکت و اجتناب از پرداخت مالیات شرکت برای هر دو مدل تحقیق وجود دارد. به عبارت دیگر، می توان ادعا کرد، شرکت ها با اندازه ی بزرگتر به منظور کاهش هزینه های سیاسی به دنبال کاهش هزینه های مالیاتی خود از طریق اجتناب از مالیات می باشند. بنابراین، با توجه به سطح معناداری، فرضیه ی دوم تحقیق در سطح خطای ۵ درصد تایید می شود (مطابق با تحقیق میلز و همکاران، ۲۰۱۳).

نتیجه ی آزمون فرضیه ی سوم

در این فرضیه به بررسی تأثیر ریسک سیستماتیک شرکت بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. با توجه به نتایج ارائه شده در نگاره ی شماره (۶) و (۷) و بررسی این فرضیه از طریق هر دو متغیر وابسته (هر دو مدل برآوردی)؛ احتمال مربوط به فرض صفر، مبنی بر تأثیر، ریسک سیستماتیک شرکت بر اجتناب از پرداخت مالیات، به ترتیب برابر (۰/۱۲۲) و (۰/۱۲۷) است که بزرگتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد رد می شود. در نتیجه، با توجه به ضرایب بدست آمده برای مدل های اول و دوم که برابر (۰/۰۰۴-) و (۰/۰۰۷-) و سطح خطای آنان که به ترتیب برابر (۰/۱۲۲) و (۰/۱۲۷) می توان ادعا کرد که ارتباط منفی غیر معناداری میان ریسک سیستماتیک شرکت و اجتناب از پرداخت مالیات شرکت برای هر دو مدل تحقیق وجود دارد. بنابراین، با توجه به سطح معناداری، فرضیه ی سوم تحقیق در سطح خطای ۵ درصد رد می شود (مطابق با تحقیق میلز و همکاران، ۲۰۱۳).

نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی چهارم

در این فرضیه به بررسی تأثیر مقدار فروش شرکت بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. با توجه به نتایج ارائه شده در نگاره ی شماره (۶) و (۷) و بررسی این فرضیه از طریق هر دو متغیر وابسته (هر دو مدل برآوردی)؛ احتمال مربوط به فرض صفر، مبنی بر تأثیر، مقدار فروش شرکت بر اجتناب از پرداخت مالیات، برابر $0/000$ است که کوچکتر از $0/05$ است، بنابراین فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می شود. در نتیجه، با توجه به ضرایب بدست آمده برای مدل های اول و دوم که برابر $(0/034)$ و $(0/072)$ و سطح خطای آنان برابر $(0/000)$ می توان ادعا کرد که ارتباط مثبت معناداری میان مقدار فروش شرکت و اجتناب از پرداخت مالیات شرکت برای هر دو مدل تحقیق وجود دارد. به عبارت دیگر، می توان ادعا کرد، شرکت ها با مقدار فروش بیشتر به منظور کاهش هزینه‌های سیاسی به دنبال کاهش هزینه های مالیاتی خود از طریق اجتناب از مالیات می‌باشند. بنابراین، با توجه به سطح معناداری، فرضیه ی چهارم تحقیق در سطح خطای ۵ درصد تایید می شود (مطابق با تحقیق میلز و همکاران، ۲۰۱۳).

نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی پنجم

در این فرضیه به بررسی تأثیر نسبت سود خالص شرکت بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. با توجه به نتایج ارائه شده در نگاره ی شماره (۶) و (۷) و بررسی این فرضیه از طریق هر دو متغیر وابسته (هر دو مدل برآوردی)؛ احتمال مربوط به فرض صفر، مبنی بر تأثیر، سود خالص شرکت بر اجتناب از پرداخت مالیات، به ترتیب برابر $(0/000)$ و $(0/011)$ است که کوچکتر از $0/05$ است، بنابراین فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می شود. در نتیجه، با توجه به ضرایب بدست آمده برای مدل‌های اول و دوم که برابر $(0/094)$ و $(0/043)$ و سطح خطای آنان به ترتیب برابر $(0/000)$ و $(0/011)$ می توان ادعا کرد که ارتباط مثبت معناداری میان سود خالص شرکت و اجتناب از پرداخت مالیات شرکت برای هر دو مدل تحقیق وجود دارد. به عبارت دیگر، می توان ادعا کرد، شرکت ها با سود خالص بیشتر به منظور کاهش هزینه های سیاسی به دنبال کاهش هزینه های مالیاتی خود از طریق اجتناب از مالیات می‌باشند. بنابراین، با توجه به سطح معناداری، فرضیه ی پنجم تحقیق در سطح خطای ۵ درصد تایید می شود (مطابق با تحقیق میلز و همکاران، ۲۰۱۳).

نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی ششم

در این فرضیه به بررسی تأثیر تعداد کارکنان شرکت بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. با توجه به نتایج ارائه شده در نگاره ی شماره (۶) و (۷) و بررسی این فرضیه از طریق هر دو متغیر وابسته (هر دو مدل برآوردی)؛ احتمال مربوط به فرض صفر، مبنی بر تأثیر، تعداد کارکنان شرکت بر اجتناب از پرداخت مالیات، به ترتیب برابر $(0/049)$ و $(0/009)$ است که کوچکتر از $0/05$ است، بنابراین فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می شود. در نتیجه، با توجه به ضرایب بدست آمده برای مدل‌های اول و دوم که برابر $(0/00004)$ و $(0/00001)$ و سطح خطای آنان به ترتیب برابر $(0/049)$ و $(0/009)$ می توان ادعا کرد که ارتباط مثبت معناداری میان تعداد کارکنان شرکت و اجتناب از پرداخت مالیات شرکت برای هر دو مدل تحقیق وجود دارد. به عبارت دیگر، می‌توان ادعا کرد، شرکت ها با تعداد کارکنان بیشتر به منظور کاهش هزینه‌های سیاسی به دنبال کاهش هزینه های مالیاتی خود از طریق اجتناب از مالیات می‌باشند. بنابراین، با توجه به سطح معناداری، فرضیه‌ی ششم تحقیق در سطح خطای ۵ درصد تایید می شود (مطابق با تحقیق میلز و همکاران، ۲۰۱۳).

با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهادات ذیل در خصوص نتایج تحقیق توصیه می گردد:

- ۱- بررسی و آزمون رفتار اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در شرایط متفاوت و متغیر اقتصادی.
- ۲- بررسی تأثیر هزینه های سیاسی بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرایط و محیط نظارتی متفاوت.
- ۳- بررسی تأثیر هزینه های سیاسی بر اجتناب از پرداخت مالیات در صنایع متفاوت کاربر و سرمایه بر.

منابع و مراجع

- [۱] ابراهیمی محمد و شهریاری نادر، (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین هزینه های سیاسی و محافظه کاری در شرکت های ایرانی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- [۲] اشرفزاده، حمیدرضا و مهرگان، نادر. (۱۳۸۷). «اقتصادسنجی پانل دیتا»، چاپ اول، موسسه ی تحقیقات تعاون دانشگاه تهران.
- [۳] آقایی، محمدعلی و احمدی گورجی، جلیل (۱۳۹۴). بررسی حساسیت سرمایه گذاری به تامین مالی داخلی و استقراض شرکت های سیاسی و غیر سیاسی. دانش حسابداری مالی، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱-۲۲.
- [۴] باباجانی، جعفر و عبدی، مجید. (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت ها، پژوهش های حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۳، صص ۶۵-۸۶.
- [۵] پژویان، جمشید. (۱۳۸۰). اقتصاد بخش عمومی (مالیات ها) تهران؛ دانشگاه تربیت مدرس.
- [۶] پور حیدری امید و همتی داوود، (۱۳۸۳). بررسی قرارداد های بدهی، هزینه های سیاسی، طرح پاداش و مالکیت بر مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی های حسابداری و حسابرسی، سال یازدهم شماره 36 تابستان.
- [۷] جهرومی، مهتاب، (۱۳۹۱). شفافیت شرکت ها و اجتناب از مالیات، رساله جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد حسابداری از دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- [۸] دلاور، علی. (۱۳۸۴). «روش های تحقیق در علوم اجتماعی»، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- [۹] ریاحی بلکویی، احمد. (۲۰۰۰). «تئوری های حسابداری»، ترجمه: پارسائیان، علی، تهران، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی.
- [۱۰] زراءنژاد و انواری (۱۳۸۴). «کاربرد داده های ترکیبی در اقتصادسنجی»، فصلنامه ی بررسی های اقتصادی، شماره ۴.
- [11] Alzahrani, M., Lasfer, M (2012). Investor protection, taxation, and dividends. Journal of Corporate Finance.18(4), p.745-762
- [12] Aning Sejati,Y(2009). Political Connection and earning quality : evidence from Malaysia. Phd dissertation, Oklahoma state university.
- [13] Armstrong, C., Blouin, J., Jagonlizer, A. & Larcker, D. (2013). Corporate Governance, Incentives, and Tax Avoidance. Rock Center for Corporate Governance working paper series.
- [14] Baltagi, H. Badi, (2005). "Econometric Analysis of Panel Data", Third Edition, John Wiley & Sons Ltd.
- [15] Boubakri, Narjess, Omrane Guedhami Dev Mishra, Walid Safar(2012). Political connection and the cost of equity capital. Journal of Coporare Financial journal homepage: www.elsevier.com/locate/jcorpfin
- [16] Boubakri. N, Claude. J, Saffar. W (2012). The impact of political connection on firm operating performance and financing decisions. The Journal of Financial Reaserch. Vol. XXXv,No3, 397-423.
- [17] Chen, S., Chen, X., Cheng, Q. & Shevlin, T. (2010). Are Family Firms More Tax Aggressive than Non-Family Firms? Journal of Financial Economics, 3(95): 41-61.
- [18] Chen, Y. & Zolotoy, L. (2014). Stock Liquidity and Corporate Tax-Avoidance: The Tale of Two Tails. Available at ssrn.com.
- [19] Chyz, J., Gaertner, F., Kausar, A. & Watson, L. (2014). Overconfidence and Aggressive Corporate Tax Policy. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2408236>.
- [20] Datta, S., Iskandar-Datta, M. V., Singh (2013). "Product market power, industry structure, and corporate earnings management", Journal of Banking & Finance, 37, 3273-3285.